

نقش شرکت نفت انگلیس و ایران در شکل گیری ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان ۱۲۸۷ - ۱۳۳۰

حمید حاجیان پور^۱
رضا حبیبی نژاد^۲

چکیده

ساختار اجتماعی مسجدسلیمان تا پیش از کشف نفت، از هر لحاظ یک ساختار سنتی و عشیره‌ای بود. با کشف و استخراج نفت در سال ۱۲۸۷/۱۹۰۸م و در پی آن، مهاجرت نیروی کار به منطقه، یک ساختار اجتماعی نوینی به جای ساختار پیشین حاکم گردید. بر این اساس، پژوهش حاضر به دو روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد، تلاش دارد نقش شرکت نفت انگلیس و ایران را در شکل‌گیری ساختار اجتماعی مسجدسلیمان، در سه محور مورد مطالعه و پژوهش قرار دهد؛ در محور اول، جمعیت و ویژگی‌های آن، از جمله مهاجرت و احداث منازل شرکتی، در محور دوم، بهداشت و درمان، و در محور سوم، آموزش و پرورش که به دو بخش شرکتی و غیر شرکتی (شهری) تقسیم می‌گردد، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که به دنبال کشف نفت و مهاجرت نیروی کار به مسجدسلیمان، یک ساختار اجتماعی دو قطبی (شرکتی - غیر شرکتی) در این شهر حاکم گردید؛ ولی با گسترش حوزه جغرافیایی شهر و نیاز متقابل هر دو بخش از یکدیگر،

^۱ دانشیار دانشگاه شیراز: hhajianpour@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز: Habibinejad46@yahoo.com

پذیرش: ۹۷/۳/۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲

به تدریج فاصله این دو بخش از یکدیگر کمتر شد و این شهر، هویت یک شهر متعارف ایرانی را پیدا کرد.

واژگان کلیدی

شرکت نفت انگلیس و ایران، مسجدسلیمان، ساختار اجتماعی، نفت، خوزستان.

مقدمه

با واگذاری امتیاز نامه نفت به ویلیام ناکس داری در سال ۱۹۰۱/۱۲۸۰م و در پی آن، کشف نفت در میدان نفتون مسجدسلیمان، تاریخ معاصر ایران نیز با تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی آمیخته گردید. از آن پس، کشور ایران به کانون توجهات قدرت‌های بزرگ جهان تبدیل گردید که برای به دست آوردن نفت، به هر اقدامی دست می‌زدند. در این میان، چاه‌های نفت مسجدسلیمان به‌عنوان تأمین‌کننده منابع حیاتی انگلیس و به‌کارگیری این منبع انرژی در جنگ اول و دوم جهانی از سوی انگلیس قابل ملاحظه است. این در حالی بود که سهام‌داران نفت بخش ناچیزی از درآمد نفت را در مسجدسلیمان هزینه می‌کردند. با وجود این، هرگز نمی‌توان نقش شرکت نفت انگلیس و ایران را در عمران و آبادی این منطقه نادیده گرفت. این منطقه که تا پیش از کشف نفت چراگاه فصلی ایل بختیاری بود، در پی کشف نفت و سرازیر شدن نیروی کار، به یکی از بزرگ‌ترین شهرهای معدنی و صنعتی ایران با امکانات رفاهی و تفریحی بسیار بالایی تبدیل گردید. بر همین اساس، مسجدسلیمان از همان آغاز شکل‌گیری، دارای یک ساختار اجتماعی متضاد و دو قطبی بود. این ساختار دو قطبی، در کلیه سطوح اجتماعی شهر از جمله مسکن و خانه‌سازی، امکانات رفاهی و درمانی، حقوق و مزایا، امکانات آموزشی و غیره قابل رؤیت بود. به‌طوری‌که کارکنان انگلیسی و اروپایی شرکت نفت از امکانات رفاهی و بهداشتی ویژه‌ای برخوردار بودند؛ درحالی‌که نیروی کار ایرانی از مشکلات متعدد در محیط کار رنج می‌بردند. حاصل این فرهنگ دو قطبی و متضاد، برپایی اعتراضات و اعتصابات کارگری به منظور کاهش این تضادها بود. بدین ترتیب، ساختار اجتماعی مسجدسلیمان کاملاً متأثر از این فرهنگ دو قطبی قرار داشت. از یک سو، میان کارکنان خارجی با ایرانی و از سوی دیگر، میان کل جمعیت شاغل شرکت نفت با جمعیت غیر شرکت نفتی این ساختار دوگانه و مجزا به چشم می‌خورد که به‌تبع در شکل‌گیری ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان تأثیر

سویی بر جای گذاشت. در ادامه، پس از اشاره‌ای به پیشینه وجود نفت در خوزستان و مسجدسلیمان، ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان، در سه محور یاد شده مورد بررسی و تبیین قرار خواهد گرفت.

تاریخچه و پیشینه نفت در خوزستان و مسجدسلیمان

اکتشافات زمین‌شناسی در خوزستان نشان داده است که از زمان سومریان، یعنی پنج یا شش هزار سال پیش در شوش قیر مورد استفاده بوده و نه تنها برای استحکام ساختمان‌ها و بناها، بلکه برای چسباندن دسته‌های ابزارواسباب، برای نصب جواهرات و برای گرفتن سوراخ‌های ظروف سفالین به کار می‌رفته است. هرودوت، مورخ مشهور یونانی، اولین کسی است که در ۲۵۰۰ سال پیش از وجود نفت در محل آردیکا که گویا در نزدیکی مسجدسلیمان کنونی واقع بوده، خبر می‌دهد. استرابو نیز در دو هزار سال پیش، به چشمه‌های جاری نفت خوزستان اشاره کرده است. (افشین، ۱۳۳۳: ۲۱؛ فاتح، ۱۳۳۴: ۷) بر همین اساس، از نشانه‌های وجود نفت و گاز در خوزستان، به‌ویژه مسجدسلیمان، وجود آتشکده‌های باستانی است که در این منطقه وجود داشته است. به نظر می‌رسد علت برپایی آتشکده در این منطقه، وجود روغن مقدس یا در واقع نشن گاز و نفتی بود که از میان خاک و سنگ‌ها بالا می‌آمد و آتشکده‌های موجود در مسجدسلیمان را فروزان می‌کرد. گیرشمن نیز بر این باور بود که در کنار صدف مصنوعی و دست‌ساخته مسجدسلیمان، آتشکده‌ای واقع شده بود. این آتشکده در واقع به مناسبت مجاورت چشمه نفت در این حدود ساخته شده بود تا احتیاج به سوخت دیگری نباشد و بعید نیست که سوخت آن از گاز نفت بوده که خودبه‌خود از زمین بالا می‌آمد و ممکن است آتشکده‌ای که یاقوت حموی در ولایت ایذج از آن خبر می‌دهد و می‌گوید تا زمان هارون الرشید روشن بوده، همین آتشکده بوده است. (گیرشمن، ۱۳۵۱: ۴۴؛ امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۲۱۲) در خصوص چشمه‌های نفت و قیر خوزستان، از قرن هفدهم میلادی به بعد مسافران و جهانگردانی که به خوزستان سفر کرده بودند، مشاهدات خود را از آثار سطحی حوزه‌های نفتی در این منطقه گزارش کرده‌اند؛ به طور نمونه، نخستین اروپایی که در قرن نوزدهم میلادی از وجود چشمه‌های نفت و قیر بین شوشتر و رامهرمز گزارش داده است، راولینسون افسر انگلیسی است. دومین انگلیسی که به هنگام مسافرت خود به خوزستان و حضور در میان بختیاری‌ها در مشرق شوشتر با چشمه‌های نفت و قیر مواجه گردید، هنری لایارد بود. وی در گزارش خود می‌نویسد: از چشمه‌های نفت

تعدادی مایه تیره‌رنگ به نام مومیایی تولید می‌گردد که معمولاً ایرانی‌ها جهت درمان کوفتگی شدید و درد مفاصل به کار می‌برند. (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۰۰؛ لایارد، ۱۳۷۶: ۱۸۶) در اواسط قرن نوزدهم میلادی در سال ۱۸۵۵/۱۲۳۴م، نخستین زمین‌شناس انگلیسی که از منطقه مسجدسلیمان و حوضچه‌های نفت آلوده به قیر آن دیدن کرده و توجه دیگران را نسبت به وجود نفت در این منطقه و پیرامون آن جلب نمود، لفتوس انگلیسی است؛ زیرا در همین محل بود که نیم قرن بعد در سال ۱۹۰۸/۱۲۸۷م رینولدز و همراهان وی از طرف دارسی شروع به حفاری کرده و سرانجام به نفت دست یافتند. (رایت، ۱۳۸۵: ۳۰۹؛ رودگر کیادارا، ۱۳۸۷: ۱۸۴)

جمعیت، مهاجرت و احداث منازل مسکونی

جمعیت، مهاجرت و احداث منازل مسکونی برای نیروی کار از سوی شرکت نفت، نخستین محور مورد بحث در شکل‌گیری ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان می‌باشد. بدون تردید، توسعه صنعت نفت موجب جابه‌جایی و افزایش جمعیت در مناطق نفت‌خیز خوزستان، به‌ویژه مسجدسلیمان گردید. مسجدسلیمان تا پیش از فعالیت‌های شرکت نفت، مسیر کوچ‌های فصلی عشایر کوچ رو بختیاری بود که مدت کمی از سال را در آنجا اسکان می‌یافتند. با کشف و استخراج نفت در میدان نفتون مسجدسلیمان، جمعیت این منطقه به طور شگرفی رو به فزونی نهاد؛ هرچند در مورد شکل‌گیری جمعیت مسجدسلیمان از فوران نفت در سال ۱۹۰۸/۱۲۸۷م تا خلع ید از شرکت نفت انگیس و ایران در سال ۱۹۵۱/۱۳۳۰م سکوتی عجیب در اسناد وجود دارد و رفع آن مستلزم پی‌گیری و پژوهش ویژه‌ای است.

بنا بر شواهد موجود، هسته اولیه مسجدسلیمان در مساحتی در حدود یک کیلومتر مربع با جمعیتی حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر پایه‌ریزی شد. رفته رفته با توجه به فعالیت‌های گسترده شرکت نفت، زمینه مهاجرت به این منطقه فراهم گردید. در واقع، از روزی که اقدامات رینولدز به نتیجه رسید و نفت استخراج گردید. جنب‌وجوش و فعالیت‌های بیشتری در مسجدسلیمان مشاهده گردید و مرتب قافله‌ها و طوایف مختلفی به این محل ایاب‌وذهاب کرده و جمعیت کثیری شامل: اصفهانی، چهارمحالی، دزفولی، شوشتری، بهبهانی، کرد و ارمنی به مسجدسلیمان مهاجرت نموده و جذب فعالیت‌های اکتشافی، حفاری، باغبانی، ساختمانی، خدماتی و غیره شدند. به دنبال این مهاجرت‌ها، جمعیت مسجدسلیمان نیز رو به افزایش گذاشت. (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۴۴۳) بدین ترتیب، شرکت نفت به منظور تأمین نیروی کار با پرداخت حقوق مناسب، کارگران ایرانی را از

نقاط مختلف کشور بدین سو جذب کرد و چون در آن روزها متخصص و کارشناس نفت در ایران وجود نداشت، از وجود خارجی آن نیز استفاده نمودند و با ایجاد منازل مسکونی و تأسیس مراکز بهداشتی و باشگاه‌ها، زمینه رفاه آنان را فراهم نمودند و آنان را به ماندن در مسجدسلیمان تشویق می‌کردند. از این رو، اغلب کارگران پس از تأهل، با خانواده خود در این شهر سکنی گزیدند و بر جمعیت شهر افزودند. کسروی در خصوص جمعیت مسجدسلیمان در سال‌های شکل‌گیری هسته اولیه شهر می‌نویسد: «هزار تن استاد اروپایی و آمریکایی و پنج هزار کارگر هندی و سی هزار کارگر ایرانی در مسجدسلیمان کار می‌کنند. اگر سوداگران و بازاریان را هم به شمار آوریم، می‌توان گفت که از چهل و پنج تا پنجاه هزار مرد از غربی و شرقی در آنجا زندگی می‌کنند.» (کسروی، ۱۳۸۹: ۲۵۰) همچنین، این شرکت شهر در اواخر سال‌های جنگ جهانی اول به دلیل تولید بالای نفت و ایجاد تأسیسات لازم، از قبیل: نیروگاه برق، تلمبه‌خانه، تأسیسات آب و پالایشگاه‌های ویژه، تا سال ۱۳۰۰/۱۹۲۱م به شرکت شهری تمام‌عیار تبدیل شده بود. احداث بیمارستان در سال ۱۲۹۷/۱۹۱۸م، این گمان را تقویت می‌کند. (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۶)

بنابراین، در مورد جمعیت مسجدسلیمان به دلیل فقدان یک مرجع رسمی، نظرات ضد و نقیضی ارائه شده است. طبق آمار سال ۱۳۱۹/۱۹۴۰م، جمعیت شهر ۲۵ هزار نفر برآورد شده است که در مساحتی به وسعت ۸۵ کیلومتر مربع و در نواحی پراکنده و دور از هم می‌زیسته‌اند. همچنین، مطابق آمار سال ۱۳۲۲/۱۹۴۳م جمعیت این شهر، حدود پنجاه هزار نفر گزارش شده است؛ درحالی‌که به تصریح مجله اخبار هفته، جمعیت این شهر در سال ۱۳۲۸/۱۹۴۹م بیست و پنج هزار نفر، و وسعت آن ۶۹ کیلومتر مربع گزارش شده است. (مجله اخبار هفته، ۱۳۲۸، شماره ۱۵۵: ۴) در گزارش دیگر، جمعیت این شهر را در سال ۱۳۲۹/۱۹۵۰م بین ۴۰ تا ۶۰ هزار نفر تخمین زده‌اند؛ ولی عدد چهل هزار نفر بیشتر به حقیقت نزدیک‌تر می‌باشد. در گزارش دیگر، جمعیت این شهر را در سال ۱۳۳۰/۱۹۵۱م سی هزار نفر نوشته‌اند که اغلب، کارمند و کارگر شرکت نفت بوده‌اند. همچنین در همین سال، طبق اسناد موجود جمعیت شاغل در امر استخراج نفت را افزون بر ۶ هزار نفر گزارش کرده‌اند و جمعیت شهر نیز چهل هزار نفر برآورد شده است که نسبت به آن زمان، جمعیت بالایی بود. (فرهنگ جغرافیایی ایران، ۱۳۳۰، ج ۶: ۳۳۸؛ یآوری، ۱۳۸۳: ۵۱) رقم عمده این جمعیت را نزدیک به ۲۷ هزار نفر مسلمان ایرانی و مابقی از ملیت‌های اروپایی، آمریکایی، هندی و غیره با مذاهب مختلف و تعداد زیادی عیسوی و آسوری ایرانی تشکیل می‌دادند که بیشتر آن‌ها، کارگران و کارمندان شرکت نفت بودند که به منظور کار در

تأسیسات نفت، به این منطقه مهاجرت کرده بودند. علاوه بر اشتغال در تأسیسات نفت، از دیگر انگیزه‌های مهاجرت که موجب افزایش جمعیت گردید، برخورداری شهر از امکانات بهداشتی و درمانی بود. همچنین، دادن کمک هزینه از طرف شرکت نفت به خانواده کارکنان و تشویق در ازدیاد جمعیت نیز بر شمار جمعیت شهر افزود.

به موازات پیدایش نفت در منطقه مسجدسلیمان در سال ۱۳۸۷/۱۹۰۸م، اندیشه خانه‌سازی و شاید بهتر بتوان گفت شهرسازی، در مخیله مسئولان صنعت نفت ریشه گرفت. مسجدسلیمان، به‌عنوان اولین شهر صنعتی ایران در آغاز کاملاً ویژگی‌های یک شرکت شهر را داشت؛ یعنی این شهر از سوی سازندگان آن به منظور اسکان دادن کارکنان شاغل در شرکت نفت احداث شد و می‌بایست کاملاً مجزا و مستقل از بافت شهری به حیات خود ادامه می‌داد؛ ولی با مهاجرت بی‌رویه روستاییان و سایرین از گوشه و کنار ایران به این شهر، ویژگی شرکت شهری را از دست داد و هویت مدنیت یک شهر متعارف ایرانی را یافت. در آغاز فعالیت صنعت نفت، کارکنان محدود آن زمان، در چادرهای مخصوص به سر می‌بردند. چون زندگی در چادر و هوای گرم مسجدسلیمان بسیار سخت و مشقت بار بود، شرکت نفت، ساخت مسکن و خانه‌سازی را در اولویت کاری خود قرار داد. از آنجایی که مسجدسلیمان از لحاظ موقعیت طبیعی، منطقه‌ای ناهموار و پست و بلنداست، خانه‌هایی را که شرکت نفت احداث کرد، متأثر از موقعیت جغرافیایی و طبیعی منطقه، مسطح نبوده و دارای پستی و بلندی بود. طبیعی است، هر قسمتی از این ساختمان‌ها در دره‌ای یا بر تپه‌ای که مناسب بوده ساخته شده است. از این جهت، محلات این شهر از هم‌گسیخته و هردسته‌ای از ساختمان‌ها را تپه‌ای یا دره‌ای از دسته‌های دیگر بریده است. گذشته از این وضع، چاه‌های نفت و اقتضای کار موافقت نداشته که ساختمان‌ها به هم‌پیوسته شود و خیابان‌های راستی مانند شهرهای عادی در آن احداث گردد. از این‌رو، مسجدسلیمان وضعیت مخصوصی به خود گرفته و به سایر شهرهای جهان شباهتی ندارد. (اقتداری، ۱۳۷۵: ۵) نخستین خانه‌ای که در این شهر ساخته شد، بنگله ساختمان دکتر یانگ بود که بر روی تپه‌ای قرار داشت. موقعیت طبیعی باعث شده بود که هر خانه‌ای بر بالای بام خانه‌های دیگر قرار گرفته و این وضع، نه تنها از نظر اصول شهرسازی، بلکه از نظر شرعی نیز مسائلی را به وجود آورده؛ چراکه اعماق بسیاری از خانه‌ها و حیاط آن‌ها در معرض دید خانه‌های بالایی است که این امر، تأثیر نامطلوبی از نظر فرهنگی بر جای گذاشته است. کارکنان شرکت نفت در مسجدسلیمان که در آغاز بیش از ۲۰ نفر نمی‌شدند، در اثر کشف چاه‌های جدید، بالغ بر ۱۰/۰۰۰ نفر ایرانی و ۳۵۰ نفر اروپایی می‌شد.

برای سکونت آن‌ها، ۵۵۰ باب عمارت بنا شد. به طور کلی، منازلی که توسط شرکت نفت ساخته شده‌اند، به چهار دسته تقسیم می‌شدند که خصوصیات هر کدام به قرار زیر بود:

۱. منازل درجه یک: این منازل، بسیار مدرن و برای زندگی بسیار راحت و در عین حال، مجلل بنا شده‌اند و دارای بیش از ۱۵ اتاق مسکونی است که مساحت هر کدام، بین ۱۲-۱۶ متر مربع می‌باشند؛ همراه با کلیه وسایل لازم و مدرن امروزی. این خانه‌ها به صورت تک‌تک می‌باشند و به وسیله حصارهای سبز، یعنی درختان (مورد) به هم متصل و در طول یک خیابان و شبیه به هم هستند. این منازل هم یک طبقه با پشت بام‌های شیروانی هستند که اصطلاحاً به آن‌ها، «بنگله» می‌گویند.

۲. منازل درجه دو: این منازل نیز نسبتاً جالب و مدرن هستند و هر کدام دارای بیش از ۴ اتاق مسکونی به مساحت ۱۲-۱۴ متر مربع، و دارای کلیه وسایل و لوازم امروزی می‌باشند.

۳. منازل درجه سه: این منازل، قبلاً به کارکنان جزء و دون‌پایه شرکت داده می‌شد و تعدادشان بسیار زیاد بود و در کلیه نواحی بنا شده بودند که بیشتر در ناحیه چشمه‌علی و میدان قرار دارند. هر کدام از این واحدها، بین ۳ تا ۴ اتاق با مساحت ۱۲ متر و وسایل مختصری دارند.

۴. منازل درجه چهار: این منازل، متعلق به کارگران بود و نسبت به سه نوع قبلی، دارای وسایل ابتدایی بودند. در این منازل، حتی رفاه نسبی برای ساکنان در نظر گرفته نشده بود و اغلب دارای یک یا دو اتاق به مساحت ۱۲ متر مربع بایک پنکه سقفی بود. منازل کارکنان شرکت نفت، اجاره بود و اجاره آن، هر ماه از حقوق آن‌ها کم می‌شد. «فقدان ساختمان‌های دولتی در مراکز کمپانی و استفاده ادارات از ابنیه شرکت نفت و همچنین تخصیص ساختمان‌های مسکونی از طرف کمپانی به بعضی از مستخدمین مقیم به طور مجانی، لطمه بزرگی به استقلال و حیثیت ادارات وارد ساخته بود.» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۱۴۷/۷۶/۱-۲۴۰) به طوری که شرکت نفت از این موقعیت استفاده کرده و مأموران دولتی را با خود همراه می‌ساخت. فاتح در خصوص خانه‌های شرکت نفت در مسجدسلیمان می‌نویسد: «برای همه کارمندان خارجی و معدودی از کارکنان ایرانی، در مسجدسلیمان خانه ساخته شد و قسمت اعظم کارمندان و کارگران ایرانی، فاقد خانه بودند.» (فاتح، ۱۳۳۴: ۲۸۰) این وضعیت، موجب نارضایتی و در نتیجه، اعتصابات کارگران را به همراه داشت.

از نظر اسلوب شهرسازی، مسجدسلیمان با اینکه یکصد سال از عمر آن نمی‌گذرد، ولی هیچ اثری از اسلوب و روش‌های جدید شهرسازی در آن به چشم نمی‌خورد و یک خیابان منظم و

مستقیمی ندارد. علت اصلی آن، همانا موقعیت طبیعی و جغرافیایی آن است که امکان اجرای برنامه‌های شهرسازی را نمی‌داد. از نظر سبک ساختمان، دو چهره متضاد در مقابل هم قرار داشتند. چهره نخست، منازل شرکت نفت که از نوع مدرن‌ترین منازل در خاورمیانه و به سبک معماری انگلیسی احداث شده بودند و منازل نوع دوم که متعلق به افراد غیر شرکتی بود که به شیوه سنتی و بی‌قواره بنا شده بودند. بنابراین، در یک طرف توسعه مدرن شهری، و در طرف دیگر توسعه ناموزون شهری قرار داشت که از کمترین امکانات شهری برخوردار بودند؛ ولی با وجود این، مهاجرت به این شهر متوقف نمی‌شد و در سال ۱۳۳۲/ ۱۹۴۳م جمعیت مسجدسلیمان ۵۰/۰۰۰ نفر بود که این تعداد، رقم بسیار زیادی بود. (لاواین دورتینگ، ۱۳۸۲: ۲۰۲) در نتیجه، با افزایش تعداد مهاجران، قیمت خانه‌ها به سرعت بالا رفت.

بهداشت و درمان در شرکت شهر مسجدسلیمان

دومین محور مورد بحث در شکل‌گیری ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان، بهداشت و درمان می‌باشد. تا پیش از کشف نفت و ورود انگلیسی‌ها به مسجدسلیمان، بهداشت و درمان در این منطقه کاملاً به شکل سنتی و بومی بود. با ورود انگلیسی‌ها و آغاز عملیات کشف و استخراج نفت، ضرورت‌های بهداشتی و درمانی به منظور حفظ سلامت کارکنان با اعزام دکتر یانگ، پزشک شرکت نفت، به منطقه، معالجه و درمان کارکنان در اولویت قرار گرفت. در پی آن، مردم مناطق نفت‌خیز، به‌ویژه مسجدسلیمان، با پزشکی نوین و پیشرفته آشنا گردیدند و درمانگاه‌ها و بیمارستانی در این شهر توسط شرکت نفت احداث گردید که به لحاظ تجهیزات و کادر پزشکی، از پیشرفته‌ترین تجهیزات روز دنیا و کادر متخصص و مجرب برخوردار بودند و نظیر آن، به جز در شهرهای بزرگ ایران، در سایر شهرها یافت نمی‌شد.

توجه و اهتمام به بهداشت و درمان، از الزامات شرکت نفت به شمار می‌رفت؛ چراکه در شهرهای صنعتی و مهاجرپذیر همچون مسجدسلیمان، بر اثر ورود بی‌رویه نیروی کار، همواره امکان بروز و شیوع انواع بیماری‌ها به دور از انتظار نبود. از این‌رو، بی‌اعتنایی و یا کم‌توجهی به این گونه موارد، می‌توانست عارضه‌های جبران‌ناپذیری را بر کل جوامع شهری موجب گردد. بدین ترتیب، با وجود اینکه خدمات بهداشتی - درمانی شرکت نفت در وهله نخست برای ارائه خدمات درمانی و بهداشتی کارکنان شرکت نفت ایجاد شده بود، اما پس از چندی، مسئولان شرکت دریافتند بی‌توجهی به بخش غیر شرکتی، می‌تواند احتمال شیوع بیماری‌های واگیر را به بخش

شرکتی موجب گردد. پس، سیاست شرکت در بخش بهداشت و درمان، بر آن قرار گرفت که به منظور جلب اعتماد مردم بومی منطقه، خدمات درمانی شرکت را به همه نیازمندان، اعم از کارکنان شرکت و یا افراد بومی غیر وابسته به شرکت عرضه دارد.

تا پیش از احداث بیمارستان و درمانگاه در مسجدسلیمان، دکتر یانگ، بیماران را در چادر معاینه و درمان می‌کرد. با افزایش نیروی کار در منطقه، مدیران شرکت نفت به فکر احداث بیمارستانی در مسجدسلیمان شدند. به همین منظور، اولین بیمارستان در مناطق نفت‌خیز خوزستان، توسط دکتر یانگ با سبک معماری خاص بیمارستان‌های کشورهای غربی در سال ۱۲۹۷/۱۹۱۸م در مسجدسلیمان احداث گردید. این بیمارستان، گنجایش ۳۵۴ تختخواب را داشت و از بیمارستان‌های درجه اول به شمار می‌رفت. (شوادران، ۱۳۵۲: ۱۴۴) در واقع، دکتر یانگ شالوده‌بهداری شرکت نفت در مناطق نفت‌خیز خوزستان، به‌ویژه مسجدسلیمان را بنیاد نهاد (فاتح، ۱۳۳۴: ۴۲۶) و به درمان بیماران می‌پرداخت. ویلسون در همین راستا می‌نویسد: «دکتر یانگ، پزشک عالی‌مقام کمپانی، این روزها مشغله‌اش بیشتر شده است و امارت بیمارستان را هم برای اینکه گنجایش بیشتری داشته باشد، توسعه داده و با کمال جدیت، به معالجه و مداوای بیماران می‌پردازد.» (ویلسون، ۱۳۶۳: ۱۵۴)

بدین ترتیب، بیمارستان مسجدسلیمان تا پیش از راه‌اندازی بیمارستان آبادان، تنها بیمارستان مناطق نفت‌خیز به شمار می‌رفت و به اهواز و سایر مناطق نفت‌خیز خوزستان خدمات درمانی ارائه می‌نمود. (سرداری‌پور، ۱۳۸۷: ۷۷) این بیمارستان، با مساحت کل ۳۰۳۹۲/۸۱ مترمربع و ۸۱۲۷/۸۱ مترمربع زیربنا، از ۸ بخش، یک کلینیک تخصصی خارجی، یک باب اتاق عمل بزرگ و یک باب اتاق عمل جراحی‌های کوچک، ۱۵۸ تخت، آزمایشگاه، ۲ باب اتاق مخصوص رادیولوژی و ۱۰ باب اتاق پزشکان متخصص، تشکیل شده بود و در آن، متخصصانی از چشم و گوش، جراح عمومی، زنان و زایمان و... انجام وظیفه می‌کردند. (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۳۲۱-۳۲۲) بیمارستان شرکت نفت، کاملاً به سبک بیمارستان‌های انگلستان اداره می‌شد. میان بخش‌های کارمندی و کارگری هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت، تفاوت بود. پذیرش در بیمارستان محدود به کارگران، کارمندان و خانواده‌های کارمندان بود؛ به طوری که خانواده‌های کارگران در بیمارستان شرکت پذیرفته نمی‌شدند و تازه آن‌هایی که پذیرفته می‌شدند، چنانچه نیازمند به عمل جراحی بودند و تعویق آن‌ها خطر جانی نداشت، باید چندین ماه صبر کنند تا نوبت عمل آن‌ها برسد. درمان کلیه مستخدمان و خانواده‌های آنان، در درمانگاه‌های شرکت رایگان بود. در واقع، هدف

شرکت نفت از احداث درمانگاه‌ها، کاستن از مراجعات مستقیم کارگران و کارمندان و خانواده‌های آن‌ها به بیمارستان‌های شرکت نفت جهت معالجه و درمان بود. در واقع، این درمانگاه‌ها به منظور تشخیص اولیه و مراجعات سرپایی کارکنان و خانواده‌های آنان احداث شده بودند. بیماران توسط پزشکان عمومی، مورد معاینه و معالجه قرار می‌گرفتند و چنانچه لازم بود بستری شوند، به بیمارستان‌های شرکت نفت معرفی می‌شدند. بیشتر این درمانگاه‌ها، در نزدیک‌ترین محل اقامت کارکنان شرکت نفت قرار داشتند و از پزشکان و جراحان حاذقی برخوردار بودند. کادر پزشکی درمانگاه، با کارکنان شرکت به گونه‌ای در ارتباط نزدیک بودند که گویی عضوی از یک خانواده‌اند. (مجله اخبار هفته، ۱۳۲۹، شماره ۱۹۱: ۱۵) در قسمت بهداشت، عملیات شرکت محدود به نقاطی بود که در آنجا خانه و مسکن ساخته بودند و شرکت حاضر نبود که از آن قسمت تجاوز کرده و کمکی به دیگران بنماید. (فاتح، ۱۳۳۴: ۴۵۰) اداره بهداشت برای پیشگیری از بروز امراض و گسترش بیماری‌های واگیردار، اقدامات و فعالیت‌های وسیعی به عمل آورد؛ اقداماتی همچون: سمپاشی کلیه منازل، ادارات و نیز نفت‌پاشی آب‌های راکد به منظور جلوگیری از انتشار بیماری مالاریا و آنوفل؛ هرچند برخی عقیده دارند تا دهه ۱۳۰۹/۱۳۳۰م شرکت نفت عملاً اقدام قابل توجهی جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار در مناطق نفت‌خیز، به‌ویژه مسجدسلیمان، در پیش نگرفته بود. در واقع، اقدامات پیشگیرانه و مبارزه با بیماری‌های واگیردار توسط شرکت نفت، به طور جدی از سال‌های پس از انعقاد قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳م آغاز گردید.

ساختار آموزشی شرکت شهر مسجدسلیمان

سومین محور مورد بحث در شکل‌گیری ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان، نظام آموزشی این شرکت شهر می‌باشد. در این میان، نقش شرکت نفت انگلیس و ایران در شکل‌گیری این ساختار آموزشی قابل توجه است. بر این اساس، ساختار آموزشی این شرکت شهر بر دو محور مبتنی بود؛ نخست، ساختار آموزشی شرکت نفت که دارای روش‌ها و ویژگی‌های خاص خود بود و از سطوح پایین تا سطوح عالی طراحی شده بود. دوم، ساختار آموزش دولتی (غیر شرکتی) که مبتنی بر روال عادی نظام آموزشی کشور بود و هیچ‌گونه تفاوتی با نظام آموزشی دیگر شهرهای ایران نداشت. وجود این دو نظام آموزشی، به هیچ‌وجه منافاتی با یکدیگر نداشتند و در بسیاری مواقع، تکمیل‌کننده یکدیگر بودند. بر این مبنای مراکز آموزشی در این منطقه، یا متعلق به شرکت نفت بودند و یا متعلق به اداره معارف و فرهنگ.

شایان ذکر است تا سال ۱۹۵۱/۱۳۳۰ م بسیاری از مراکز آموزشی در مناطق نفت‌خیز، به‌ویژه مسجدسلیمان، توسط شرکت نفت انگلیس و ایران پس از احداث و تجهیز به اداره معارف و فرهنگ واگذار شده بودند. بدین ترتیب، فرآیند آموزشی در شرکت شهر مسجدسلیمان را می‌توان بر مبنای دو محور: الف. ساختار آموزشی شرکت نفت انگلیس و ایران؛ ب. ساختار آموزش دولتی (غیر شرکتی) مورد بررسی و تبیین قرار داد.

الف. ساختار آموزشی شرکت نفت انگلیس و ایران در شرکت شهر مسجدسلیمان

شرکت نفت انگلیس و ایران، به منظور ارتقای سطح کیفی کارکنان خود و نیز آموزش و تربیت کادر مجرب در حوزه عملیات خود در شهرهای نفت‌خیز خوزستان، به‌ویژه مسجدسلیمان برنامه‌های آموزشی را در سطوح پایه و عالی (تکمیلی) طراحی کرد. بدین ترتیب، شرکت نفت در سال ۱۹۲۹/۱۳۰۲ م به منظور آموزش کارکنان خود، کارگاه‌های آموزشی بسیاری را در مناطق نفت‌خیز، به‌ویژه مسجدسلیمان، دایر نمود. این کارگاه‌ها بیشتر جنبه فنی و تخصصی داشتند و از نظر وسعت، تنوع، حجم کار با کارگاه‌های نسبتاً وسیع در انگلیس برابری می‌کردند. در هریک از این کارگاه‌ها، نوجوانان ایرانی در حال آموزش بودند که اغلب از کوچ‌نشینان بودند؛ به طور نمونه، حدود ۳۹۰ نفر از این کارورزان، در طی سه سال در مدرسه فنی و حرفه‌ای مسجدسلیمان دوره دیدند و در فصل کوچ، کار خود را رها می‌کردند و به بیلاق می‌رفتند. شرکت تلاش می‌کرد با فراهم کردن امکانات بهتر و حقوق بیشتر، مانع کوچ کردن آن‌ها گردد. به همین منظور، شرکت نفت به حق درباره برنامه «ایرانی کردن» کارکنان خود بیش از اندازه احتیاط و محافظه‌کاری نشان می‌داد؛ زیرا سطح تحصیلات و معلومات فنی ایرانیان پایین بود. با این حال، از اوایل دهه گسترده‌ای را فراهم کرد. بعدها این افراد آموزش‌دیده به همراه ایرانیان فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها و مؤسسات فنی انگلستان در دوره انتقال از وضع «امتیازی» شرکت سابق نفت به دوره ملی شدن صنعت نفت، عملاً برای کشور بسیار مفید واقع شدند. (آوری، ۱۳۸۸: ۲۱۲) بدین ترتیب، کارگاه‌ها و مدارس آموزش فنی از سال ۱۹۲۳/۱۳۰۲ م آغاز به کار کردند و ظرف یک دهه، انواع آموزش را ارائه دادند.

شرکت نفت همچنین، برای آموزش کارکنان خود یک نظام آموزشی از سطوح پایین تا سطوح عالی طراحی کرده بود که تمام کارکنانش را در بر می‌گرفت. این نظام آموزشی خاص، به

هیچ وجه منافاتی با سیستم آموزش ملی ایران نداشت؛ بلکه تکمیل کننده سطوح تحصیلی دانش‌آموختگان آن به شمار می‌رفت و از آنجایی که شرکت نفت به آموزش‌های دولتی به‌عنوان پایه آموزشی خود نیاز داشت، از هیچ کمکی دریغ نمی‌کرد. بیشتر فرزندان ایرانی شرکت نفت ترجیح می‌دادند که به این آموزشگاه‌ها راه یابند؛ چراکه راهیابی به این آموزشگاه‌ها، قدم اول برای ورود به شرکت نفت و برخورداری از مزایای آن بود. (لهستانی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۵۸) علاوه بر آن، شرکت نفت انگلیس و ایران، پس از توسعه عملیات گسترده و پیچیده خود برای اداره بخش‌های فنی و تخصصی، نیاز به افراد تحصیل کرده و کارشناس در امور مهندسی نفت، برق و شیمی و غیره داشت. از آنجایی که قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳م تا حدودی دست شرکت نفت انگلیس و ایران را در استخدام اتباع خارجی بسته بود، از طرف دیگر، مقامات دولتی ایران، مدیران شرکت نفت را تحت فشار قرار می‌دادند که ایرانیان را جایگزین نیروهای خارجی سازند. از این رو، شرکت نفت به منظور ارتقای کیفی کارکنان ایرانی، اقدام به اعزام دانشجو به خارج (بریتانیا) جهت فراگیری علوم و فنون مرتبط با تأسیسات نفت نمود.

ب. نقش شرکت نفت در شکل‌گیری ساختار آموزش دولتی (غیر شرکتی) در شرکت شهر

مسجد سلیمان

همان‌گونه که پیش از این ملاحظه گردید، در مناطق نفت‌خیز خوزستان، به‌ویژه مسجد سلیمان، دو نوع نظام آموزشی وجود داشت؛ یکی، آموزشی که مخصوص شرکت نفت بود و دوم، آموزشی که شکل دولتی و رسمی داشت. این دو نوع آموزش، تأثیر متقابلی بر یکدیگر داشته و هیچ تضادی در ساختار آموزشی کشور ایجاد نمی‌کردند؛ به سخن دیگر، مکمل یکدیگر نیز به شمار می‌رفتند. آموزش دولتی در واقع، آموزش پایه و آموزش شرکتی نیز آموزش تکمیلی - تخصصی و عملی محسوب می‌شد. بدین ترتیب، این دو نوع ساختار آموزشی، در شهرهای نفتی خوزستان در توسعه آموزشی و فرهنگی این مناطق نقش مهمی ایفا کردند؛ به طوری که در مقایسه با سایر شهرها و مناطق ایران، مناطق نفت‌خیز خوزستان، از رشد چشمگیری برخوردار بودند. در این ساختار آموزشی، نوعی تقسیم وظایف نیز به چشم می‌خورد؛ برای مثال، کار احداث و بنای فیزیکی، تجهیز مدارس، میز، نیمکت و غیره با شرکت نفت بود؛ ولی مدیریت و اداره مراکز آموزشی، با اداره معارف و بعدها اداره فرهنگ خوزستان و شهرهای نفت‌خیز بود که مطابق آیین‌نامه آموزشی کشور اداره می‌شدند. بدین ترتیب در ادامه، نقش شرکت نفت انگلیس و ایران

در پیشبرد و اعتلای ساختار آموزشی شرکت شهر مسجدسلیمان مورد بررسی و تبیین قرار خواهد گرفت.

با کشف و استخراج نفت در مسجدسلیمان و مهاجرت نیروی کار به این منطقه، اولین شرکت شهر نفتی و معدنی خاورمیانه در ایران پدید آمد. شرکت نفت انگلیس و ایران از آنجایی که خود را یک مؤسسه تجاری می‌دانست، کار احداث و بنای مراکز آموزشی (مدرسه) را از وظایف خود نمی‌دانست و این قبیل امور را وظیفه دولت و نهادهای آموزشی می‌دانست. تاریخ احداث اولین مدرسه در مسجدسلیمان، مؤید این نظر است. با وجود اینکه نفت در سال ۱۳۰۸/۱۲۸۷ م کشف گردید، شرکت نفت ۱۹ سال بعد در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ م نخستین دبستان به نام سیروس را در این منطقه نفت‌خیز احداث کرد. این نکته، حاکی از آن است که آموزش و تربیت فرزندان کارکنان شرکت نفت، برای شرکت نفت در اولویت قرار نداشت. آنچه برای شرکت اهمیت داشت، استخراج و پالایش و صدور نفت بود؛ نه آموزش فرزندان کارکنان شرکت. شرکت نفت، زمانی به این مهم توجه کرد که حوزه عملیات شرکت توسعه یافت و برای اداره دستگاه گسترده و وسیع شرکت، نیاز به نیروی آموزش‌دیده داشت. به همین منظور، اقدام به تأسیس مدارس جهت تعلیم و تربیت فرزندان کارکنان شرکت نمود؛ چراکه بسیاری از نیروهای بومی استخدام‌شده توسط شرکت نفت انگلیس و ایران، از عشایر بختیاری بودند. این عشایر که غالب آن‌ها بی‌سواد بودند، برای تبدیل آن‌ها به نیروی کار مدرن صنعتی، نیاز به آموزش داشتند. بنابراین، شرکت نفت انگلیس و ایران به منظور احداث مدارس و باسواد کردن عشایر بختیاری پیش‌قدم شد. (بنیاد خوزستان‌شناسی، ۱۳۸۱: ۳۱)

بدین ترتیب، در پی اقدامات شرکت نفت در بخش احداث مدارس، مدارس متعددی در مسجدسلیمان احداث گردید. روند احداث مدارس و توجه به نظام آموزشی منطقه، از آغاز کشف نفت تا سال ۱۳۱۲/۱۹۳۳ م که قرارداد جدید با شرکت نفت منعقد گردید، بسیار کند صورت گرفت؛ به طوری که مجموع مدارس که در این دوره در کل مناطق نفت‌خیز خوزستان احداث گردید، ۹ عدد بود که سهم مسجدسلیمان نیز بسیار اندک بود؛ ولی از سال ۱۳۱۲/۱۹۳۳ م تا ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰/۱۹۵۱ م، حدود ۶۱ مدرسه در مناطق نفت‌خیز خوزستان با کمک و مساعدت شرکت نفت احداث و تحویل اداره معارف و اداره فرهنگ خوزستان و شهرهای نفت‌خیز گردید؛ زیرا شرکت نفت مطابق قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳ م، ملزم به احداث مدارس و مراکز آموزشی در مناطق نفت‌خیز بود. از سویی، فراهم کردن امکانات آموزشی در مناطق نفت‌خیز به

سود خود شرکت هم بود؛ ولی در مجموع، به سود عموم مردم این مناطق تمام شد. بدین ترتیب، ۱۹ سال بعد از کشف نفت در مسجدسلیمان، در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۸م اولین مرکز آموزشی به نام دبستان «سیروس» توسط شرکت نفت انگلیس و ایران و به ریاست سید کمال رضوان در منطقه نمره چهل جنب استادیوم ورزشی احداث شد و به اداره معارف خوزستان و مسجدسلیمان واگذار گردید. (محسنی، ۱۳۸۱: ۴۵) کمی بعد نیز دومین مدرسه به نام دبستان «سینا» در منطقه چشمه‌علی نیز در همین سال توسط شرکت نفت احداث شد و به اداره فرهنگ مسجدسلیمان واگذار گردید. این دبستان در سال ۱۳۲۸ نزدیک به ۷۱۰ نفر دانش آموز داشت. (جهانشاهی، ۱۳۲۹: ۶۱) اسناد نیز به‌صراحت لزوم توجه شرکت نفت به مسئله آموزش دولتی در مناطق نفت‌خیز، از جمله مسجدسلیمان را آشکار می‌سازند. بنا به یکی از این اسناد شرکت نفت در مورد احداث دو باب مدرسه در مسجدسلیمان با کلیه اثاثیه و لوازم آن و حقوق یک رئیس که عهده‌دار هر دو مدرسه باشد و نه نفر معلم در تحت نظارت کفیل وزارت معارف را تعهد نموده بود. همچنین، در این سند راجع به حقوق معلمان مدارس مناطق نفت‌خیز تصریح شده بود که شرکت نفت حاضر شده راجع به حقوق معلمان مدارس این مناطق، ماهی یکصد تومان به رئیس مدرسه، و از پانزده تا چهل تومان هم برای هریک از معلمان بر حسب معلوماتشان بپردازد. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۷/۳۰۰۹۱) شرکت نفت همچنین، کلیه وسایل ورزشی، میز، نیمکت، صندلی، قلم و دوات شاگردان این مدارس را تأمین می‌کرد. کلاس‌ها به صورت مختلط و اختصاص به فرزندان کارکنان شرکت نفت داشت. از ابتدای مدارس مذکور در مسجدسلیمان، کلاس‌های اکابر (آموزش سالمندان) نیز دایر بود و دانش‌آموزان آن‌ها عمدتاً کارگران شرکت نفت بودند. شرکت نفت پس از پایان تحصیلاتشان، آن‌ها را ارتقای شغلی داده و حقوق و مزایای بهتری برایشان در نظر می‌گرفت. کارگران هفته‌ای سه شب و هفتگی سه ساعت، در کلاس‌های شبانه مشغول تحصیل بودند. این کلاس‌ها تحت سرپرستی اداره فرهنگ و با کمک مالی شرکت نفت اداره می‌شدند. کارگران، دوره چهارساله روزانه را طی دو سال فراگرفته و به دریافت گواهی‌نامه کلاس چهارم ابتدایی نایل می‌شدند.

در سندی مربوط به سال ۱۳۰۵/۱۹۲۶م، شرکت نفت همه‌گونه مساعدت به مدارس اکابر مناطق نفت‌خیز خوزستان را متقبل شده است. در این سند، تصریح شده است شرکت نفت حاضر است در معادن نفت‌خیز خوزستان، از جمله مسجدسلیمان، کلاس‌های اکابر مانند مدارس ایالتی در انگلستان برقرار نماید. این کلاس‌ها برای عموم آزاد و پیشنهاد می‌شود که در این کلاس‌ها،

دروسی از جمله: خواندن و نوشتن و حساب، زبان انگلیسی، محاسبات، اختصارنویسی و ماشین‌نویسی تدریس شود. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۷/۳۰۰۰۹۱) در سندی دیگر مربوط به سال ۱۳۰۸، شرکت نفت انگلیس و ایران مطابق قراردادی که با وزارت معارف منعقد کرد و تعهد نمود مبلغ ۲۸۰۰۰ تومان اعانه (مساعدت) به مصرف مدارس خوزستان برساند. بودجه پیشنهادی یک سال در حدود یازده هزار و چهارصدویست ریال می‌باشد. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۷/۲۲۹۴۶) مطابق سندی دیگر، شرکت نفت در سال ۱۳۱۳ کمک‌هزینه‌ای به مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال برای تجهیز مدارس که در حوزه عملیات شرکت قرار داشتند، پرداخت کرد. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۶۸)

عملیات ساخت و ساز مدارس و مراکز آموزشی توسط شرکت نفت در مناطق نفت‌خیز، با توجه به گسترش دامنه حوزه عملیاتی، از سال ۱۳۱۲/۱۹۳۳م به بعد شتاب بیشتری گرفت و تا سال ۱۳۳۰/۱۹۵۱م شرکت موفق شد نزدیک به ۶۱ مدرسه در حوزه عملیاتی‌اش احداث نماید و با تأمین کلیه لوازم و تجهیزات، به اداره فرهنگ مناطق و نواحی حوزه عملیاتی‌اش تحویل دهد. بدین ترتیب، سهم مسجدسلیمان از این مدارس، ۱۴ آموزشگاه (دبستان و دبیرستان) بود؛ مدارس هم‌چون: سیروس و سینا، دبستان فریدون تمبی، دبستان نوروز بی‌بیان، دبستان دخترانه مهر، دبستان ناصر خسرو، دبستان فروغ، دبستان رودکی و دبیرستان سیروس و غیره. شرکت نفت در سال ۱۳۱۳ برای دبستان سیروس، ۷۵۰۰۰ ریال و برای دبستان سینا، ۳۳/۵۰۰ ریال اعانه اختصاص داده بود. با توسعه فعالیت‌های عملیاتی شرکت نفت و افزایش جمعیت مسجدسلیمان، آمار دانش‌آموزان این منطقه نفت‌خیز نیز رو به افزایش نهاد؛ به‌طوری‌که در سال تحصیلی ۱۳۲۹/۱۹۵۰م در مدارس مسجدسلیمان در سه مقطع تحصیلی، جمعاً ۳۶۷۵ نفر دانش‌آموز مشغول تحصیل بودند. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۷/۳۵۷۸۱) علاوه بر مدارس دولتی، تعدادی مدرسه از سوی مهاجران خارجی مقیم مسجدسلیمان نیز احداث گردید که برخی از آن‌ها تا انقلاب اسلامی دایر بودند.

نتیجه

توسعه صنعت نفت در مناطق نفت‌خیز خوزستان، از جمله مسجدسلیمان، موجب گردید این شرکت شهر به تدریج رو به سوی دوقطبی شدن پیش رود. از این رو، این نوشتار پیامدهای این ساختار دوقطبی را در سه محور: جمعیت و ویژگی‌های آن، مهاجرت و خانه‌سازی، بهداشت و درمان و ساختار آموزشی، مورد بررسی قرار داده است. آنچه به عنوان دستاورد این نوشتار به شمار می‌آید، تبیین آثار و پیامدهای این ساختار اجتماعی در میان طبقه فرودست شرکت نفت و سایر مردم غیر شرکتی در مسجدسلیمان می‌باشد؛ مردمی که در همه عرصه‌های زندگی خویش، شاهد ساختار اجتماعی متضاد، مجزا و دوگانه بودند. بدین ترتیب، شرکت نفت با اعمال نابرابری و تبعیض بین کارکنان خارجی و ایرانی، نوعی قشربندی اجتماعی را در مناطق نفت‌خیز خوزستان، به ویژه مسجدسلیمان، ایجاد کرد. این قشربندی، به تدریج گسترش یافت و شهر را به دو طیف شرکتی و غیر شرکتی تقسیم کرد که تا به امروز، آثار آن باقی است. مدیران شرکت نفت، این جداسازی و قشربندی را این گونه توجیه می‌کردند که در صورت جدابودن خارجی‌ها از ایرانی‌ها و یا کارکنان شرکت نفت از غیر شرکتی‌ها، بهداشت و سلامت کارکنان حفظ می‌گردد؛ در حالی که انگلیسی‌ها قصدشان از این جداسازی، حفظ اعتبار و موقعیت خودشان در میان ایرانی‌ها بود. به هر روی، رواج این فرهنگ دوقطبی در شکل‌گیری ساختار اجتماعی شهر، تأثیر سوئی بر جای گذاشت و شهری با محله‌های متفاوت از همدیگر شکل گرفت؛ یک طرف شهر، محله‌های بسیار پیشرفته و مدرن و به سبک شهرهای اروپایی بنا شده بود و طرف دیگر شهر، محله‌هایی قرار داشتند که بیشتر شبیه زاغه‌ها و حلبی‌آبادها بودند و بدون تردید، رواج این فرهنگ دوقطبی، سرخوردگی‌هایی را میان فرزندان طبقه فرودست ایجاد می‌کرد؛ به طوری که راه برون‌رفت از آن را در برپایی اعتصابات علیه سیاست‌های تبعیض‌آمیز مدیران شرکت نفت می‌دیدند.

منابع

- آوری، پیترو. ۱۳۸۸. تاریخ ایران دوره پهلوی (از رضا شاه تا انقلاب اسلامی). ترجمه مرتضی ثاقب فر، دفتر دوم از جلد هفتم، تهران: انتشارات جامی.
- اطهاری، کمال. ۱۳۷۰. «مسجدسلیمان شرکت شهری مدنیت یافته». مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۴۸ و ۴۷، مرداد و شهریور، ص ۶۵-۶۹.
- افشین، کاظم. ۱۳۳۳. نفت و خوزستانیان، تهران: بی‌نا.
- اقتداری، احمد. ۱۳۷۵. خوزستان و کهگلویه و ممسنی. تهران: مؤسسه فرهنگی آیات، جلد سوم.
- امام شوشتری، سید محمدعلی. ۱۳۳۱. تاریخ جغرافیایی خوزستان، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بنیاد خوزستان‌شناسی. ۱۳۸۱. کتاب خوزستان (در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات خوزستان). تهران: انتشارات سایه هور.
- جهانشاهی، ایرج. ۱۳۲۹. سالنامه فرهنگ مسجدسلیمان. تهران: چاپ مهر.
- راولینسون، سرهنری. ۱۳۶۲. سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان). ترجمه اسکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- رایت، دنیس. ۱۳۸۵. انگلیسی‌ها در میان ایرانیان. ترجمه اسکندر دلد، تهران: انتشارات نشر به‌آفرین.
- رود گرکیاداره، ایرج. ۱۳۸۷. سیر استعمار انگلیس در ایران. تهران: انتشارات سفیر اردهال.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۷/۳۰۰۹۱.
- _____، سند شماره ۲۹۷/۲۲۹۴۶.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۶۸.
- _____، سند شماره ۲۹۷/۳۵۷۸۱.
- _____، سند شماره ۲۴۰-۱۴۷/۷۶/۱.
- سرداری‌پور، محمدرضا و علی ایزدی‌نژاد. ۱۳۸۷. حکایت سیمرغ و نفت. تهران: انتشارات اساطیر.
- شوادران، بنجامین. ۱۳۵۲. خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ. ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۱۲۶ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷

- عباسی شهینی، دانش. ۱۳۷۴. تاریخ مسجد سلیمان. تهران: انتشارات هیرمند.
- فاتح، مصطفی. ۱۳۳۴. پنجاه سال نفت. تهران: انتشارات کاوش.
- فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها). ۱۳۳۰. استان ششم. تهران: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، جلد ششم.
- کسروی، سید احمد. ۱۳۸۹. تاریخ پانصدساله خوزستان، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- گیرشمن، رومن. ۱۳۵۱. «صفه مقدس در مسجد سلیمان». ترجمه مسعود رجب‌نیا، ماه نامه هنر و مردم، شماره ۱۲۱.
- لواپن دورتینگ، پولین. ۱۳۸۲. «شهرک‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان؛ مطالعه‌ای درباره تاریخ شهرک‌نشینی (۱۹۵۱-۱۹۰۸)». ترجمه بشیر یاقمورلی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۵ تابستان، ص ۱۹۹-۲۰۶.
- لایارد، هنری. ۱۳۷۶. سفرنامه لایارد. ترجمه مه‌راب امیری، تهران: انتشارات آژان.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی. ۱۳۸۵. جامعه‌شناسی آبادان. تهران: کیان مهر.
- مجله اخبار هفته، سال ۱۳۲۸، شماره ۱۵۵، جمعه ششم آبان‌ماه، آبادان، چاپخانه شرکت نفت.
- مجله اخبار هفته، سال ۱۳۲۹، شماره ۱۹۱، جمعه شانزدهم تیرماه، آبادان، چاپخانه شرکت نفت.
- محسنی، سید حسن. ۱۳۸۱. «تاریخچه‌ای از آموزش و پرورش و نخستین مدارس استان خوزستان». رشد معلم، دوره بیستم، شماره ۱۶۶، ص ۴۴-۴۷.
- ویلسون، آرنولد. ۱۳۶۲. سفرنامه ویلسون یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران. ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات وحید.
- یاوری، منوچهر. ۱۳۸۳. شهر من مسجد سلیمان (مسجد سلیمان امروز، ایران بدون نفت فردا). تهران: انتشارات اکنون.